

گستره مفهومی انتظار با تأکید بر قانون اشتراک لفظی و معنوی*

حسین الهی نژاد^۱

چکیده

در این تحقیق ابتدا به بحث کلی یا جزئی بودن واژه انتظار و بعد به مراتب و جایگاه آن توجه شده و در ادامه به بحث کیفیت اشتراک این واژه پرداخته می‌شود که گستره آن به چه صورتی است معنوی یا لفظی؟ و در مرحله بعد مقوله انتظار با نمای توطی و تشکیک روبرو شده و مورد سنج قرار می‌گیرد تا متوطی بودن و یا مشکک بودن آن به اثبات برسد. که در بیان جلوه‌های انتظار گفته می‌شود اولاً؛ مقوله انتظار مقوله کلی است نه جزئی. ثانیاً؛ مقوله کلی انتظار، مشترک معنوی است نه لفظی. ثالثاً؛ مقوله کلی انتظار با وصف اشتراک معنوی، با قانون مشکک همراه و همخوان است نه با قانون توطی. یعنی افراد انتظار نظیر انتظار عام، انتظار خاص، انتظار مثبت، انتظار منفی، انتظار روحی، انتظار قلبی، انتظار قولی و انتظار عملی همه مفهوماً با لحاظ تفاوت در مراتب و درجه، جزو مصادیق انتظار بوده و حمل انتظار بر همه آنها به صورت مصداقی درست می‌باشد. ولی هرکدام از آنها دارای مراتب و جایگاه خاصی بوده و در بهره‌مندی از انتظار برخی شدت بیشتر و برخی دیگر با شدت کمتر همراه می‌باشند.

واژگان کلیدی

انتظار، گستره مفهومی انتظار، مشترک معنوی، مشترک لفظی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۲۷

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران (Hosainelahi1212@gmail.com).

مقدمه

از جمله آموزه‌های مهم مهدویت آموزه انتظار است. انتظار به عنوان مؤلفه اساسی مهدویت دارای مباحث گوناگونی با رویکردهای بیرونی و درونی می‌باشد. رویکرد درونی که معطوف به ماهیت و چیستی انتظار بوده از مفهوم‌شناسی انتظار، تنوعات انتظار، مراتب انتظار، انواع انتظار، جایگاه انتظار و... بحث می‌کند. رویکرد بیرونی که مربوط به مباحث پیرامونی انتظار بوده از مباحثی نظیر کارکرد انتظار، فلسفه انتظار، غایت انتظار و... بحث می‌کند. در این نوشتار در میان مباحث گوناگون انتظار که با رویکردهای مختلف بیرونی و درونی تقسیم می‌شوند تنها به مباحث ماهیت و چیستی انتظار با رویکرد درونی و در میان مباحث مختلف ماهیت و چیستی انتظار تنها به مباحث مفهوم‌شناسی انتظار و در مباحث مفهوم‌شناسی انتظار تنها به بحث گستره مفهومی انتظار با محوریت مفهوم اشتراک لفظی و اشتراک معنوی، و توطی و تشکیک پرداخته می‌شده و در این خصوص پرسش‌هایی چند در افکنده می‌شود؛ ۱. صدق مفهوم انتظار نسبت به افرادش چگونه است؟ ۲. قلمرو و گستره مفهومی انتظار چقدر است؟ ۳. آیا انتظار به صورت مشترک لفظی عمل می‌شود و یا به صورت مشترک معنوی؟ ۴. بر فرض ثبوت اشتراک معنوی، آیا به صورت متوطی بر مصادیقش حمل می‌شود و یا به صورت مشکک؟ در این پژوهش در صددیم تا با واکاوی پرسش‌ها فوق به پاسخ‌های مناسب و درخور برسیم.

طرح مسئله

براساس داده‌های علم منطق هر واژه مفردی یا قابلیت صدق بر افراد کثیر را دارد که کلی نامیده می‌شود نظیر انسان، حیوان و درخت. و یا این قابلیت را ندارد که جزئی خطاب می‌شود. نظیر حسن و حسین. و در صورت قابلیت صدق بر افراد کثیر که کلی نام‌گذاری شده، یا به صورت مشترک لفظی عمل می‌کند نظیر شیر (شیر آب، شیر جنگل و شیر گاو) و یا به صورت مشترک معنوی عمل می‌کند نظیر مرد، زن و فرشته. فرض دوم که همان کلی مشترک معنوی است، این کلی یا به صورت مساوی و موافق بر افرادش صادق است نظیر آب، اکسیژن و خاک که متوطی نام دارد و یا به صورت غیرمساوی صدق کرده و براساس تقدم و تأخر، و شدت و ضعف، نقص و کمال، و اولویت و غیر اولویت عمل می‌کند. نظیر نور، سفیدی و سیاهی که کلی مشکک نامیده می‌شود. حال در مقام مقایسه باید دید که واژه انتظار بر کدام یک از اقسام سیر مفهومی فوق انطباق دارد. یعنی واژه انتظار مفهوماً چه واژه‌ای است؛ جزئی است یا کلی؟ در

صورت کلی بودن آیا مشترک لفظی است یا معنوی؟ و در صورت مشترک معنوی بودن آیا به صورت متواطی عمل می‌کند و یا به صورت مشکک؟ در فرایند بحث، تفصیل این مطلب را به شور گذاشته و مستندات و براهین اثباتی این مطلب بیان خواهیم کرد.

مفهوم‌شناسی تواطؤ، تشکیک و انتظار

۱. واژه تواطی

تواطی از ماده وطأ به معنای توافق، مساوی (ابن منظور، ۱۴۱۶: ج ۱۰، ۱۹۹)، مشارکت، همراهی، پیروی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۸۷۴) و نیز به معنای مماثل و شراکت می‌باشد. (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۱، ۴۴۲) کلی تواطی در اصطلاح به آن کلی گفته می‌شود که معنای واحد داشته و در حمل بر افرادش به طور یکسان عمل می‌کند. (سبزواری، ۱۴۱۶: ج ۱، ۱۲۵) مثلاً مفهوم «جسم» بر همه مصادیقش به طور یکسان، حمل می‌شود و هیچ جسمی نیست که از نظر جسمیت، مزیتی بر جسم دیگر داشته باشد هرچند هر کدام از اجسام دارای خواصی هستند و بعضی از آنها مزایایی بر بعضی دیگر دارند ولی از نظر صدق مفهوم جسم، تفاوتی با یکدیگر ندارند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۲: ج ۱، ۳۶۷) پس تواطؤ به معنای توافق است و مراد این است که معنای واحد بر مصادیق خود به گونه‌ای یکسان و موافق و بدون هیچ‌گونه تخالف و تغایری حمل گردد. (رحیق مختوم، ۱۳۸۶: ج ۱، ۲۵۸)

۲. واژه تشکیک

تشکیک از ماده شکک است و به معنای شک و تردید می‌باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۶: ج ۱۰، ۴۵۱) و نیز به معنای ردیف و نظم. (بستانی، بی تا: ج ۱، ۵۳۲) و متفاوت و جدا کردن آمده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ج ۲، ۳۴۲) و در اصطلاح به معنای حمل مقوله کلی بر افرادش براساس اولویت و غیر اولویت، شدت و ضعف، تقدم و تأخر، و نقص و کمال می‌باشد. (ابن سینا، ۱۴۰۵: ج ۱، فن ۲، ۱۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۵، ۴۲۶) پس کلی مشکک، مفهومی است که صدق آن بر افراد و مصادیقش، متفاوت می‌باشد و بعضی از آنها از نظر مصداقیت برای آن مفهوم، مزیتی بر بعضی دیگر دارند. چنان‌که همه خط‌ها در مصداق بودن برای طول، یکسان نیستند و مصداقیت خط یک متری برای آن، بیش از مصداقیت خط یک سانتیمتری است. یا مفهوم سیاه بر همه مصادیقش به طور یکسان، حمل نمی‌شود و بعضی از آنها سیاه‌تر هستند. (الشهرزی، ۱۳۷۲: ۴۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۲: ج ۱، ۳۶۷) و وجه تسمیه آن به مشکک این است که کیفیت حمل آن، آدمی را به تردید و شک می‌کشاند؛ زیرا از یک سو به دلیل اشتراک

معنوی، حکایت از معنای واحد می‌نماید و از سوی دیگر اختلاف مصادیق دلالت بر کثرت و تعدد حقیقت می‌کند. اجتماع این دو اثر موجب می‌شود تا این سؤال قوت گیرد که اگر آن معنا واحد است این تفاوت از کجاست، و اگر این تفاوت از ناحیه چند حقیقت است آن اشتراك معنوی چگونه ممکن است؟ لذا در نظر ابتدائی شك پیدا می‌شود که آیا این لفظ دارای يك مفهوم است مشترك معنوی یا چند مفهوم مشترك لفظی. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ج ۱، ۲۵۸)

۳. واژه انتظار

واژه انتظار از ریشه « نظر » می‌باشد که در باب افتعال به کار برده شده، از مترادف‌های معنایی آن تائی و ترقب است (اقرب الموارد، فرهنگ بزرگ جامع نوین) و در لغت به معنای تأمل کردن، چشم داشتن، چشم به راه بودن، امید داشتن و امیدوار بودن است. (ابن منظور، ۱۴۱۶: ج ۵، ۲۱۹؛ دهخدا، ۱۳۳۷: ج ۸، ۲۹۴) آنچه باعث تمایز این واژه از مترادف‌های آن می‌شود، وجود خاصیت «مطاوعه» در معنای آن است که به طور کلی از خصوصیات باب افتعال به شمار می‌رود. «مطاوعه» به معنای تأثیرپذیری است و بدین خاطر معنای واژه انتظار برابر با «چشم به راه شدن» خواهد بود. از مطلب مذکور به این نتیجه می‌رسیم که «انتظار» حالت و وصفی است که بر شخص متأثر، یک سلسله اموری مترتب می‌شود و بین وی و آنچه منتظر آن است رابطه تأثیر و تأثر برقرار است. انتظار اصطلاحی به معنای امید داشتن به تحقق ظهور و آمدن منجی آسمانی به نام امام مهدی علیه السلام است یعنی چشم داشتن به فرا رسیدن روز موعود که موعود جهانی با آمدنش زمین و زمینیان را خوشبخت کرده و بستر زندگی انسانی را برای انسان‌ها فراهم نماید. به بیان دیگر انتظار فرج به معنای تهیو و ترقب (الحرانی، ۱۳۶۳: ۱۰۶) و یا به معنای آمادگی روحی و عملی برای ظهور امام زمان علیه السلام جهت یاری رساندن به آن حضرت است که در این خصوص باید از کارهایی که با این عمل منافات دارد دوری کرد. (الخوئی، ۱۴۱۳: ج ۵، ۳۱۹) صاحب *مکیال المکارم* در کتابش درباره مفهوم‌شناسی انتظار می‌نویسد:

انتظار حالتی است نفسانی که آمادگی برای آنچه انتظارش را می‌کشیم از آن بر می‌آید و ضد آن، یأس و ناامیدی است. (اصفهانی، ۱۴۲۱: ۴۵)

شیخ صدوق در کتاب *عیون الاخبار* می‌نویسد:

معنی انتظار فرج الهی؛ خود را آماده و مهیای آن نمودن است، و کوشش و خودسازی برای آمدن آن مانند کسی که انتظار وقت نماز، یا وقت افطار، یا آمدن مسافرش را می‌کشد، نه این‌که بدون هیچ‌گونه اقدامی دست روی دست بگذارد، و بگوید: هر چه

شدنی است خواهد شد، انتظار فرج آل محمد علیهم السلام را کسانی دارند که در راه تحقق آن شبانه روز می‌کوشند و خود و جمعیت خود را برای آن آماده می‌سازند، و باید دانست که تا مردمی خود را صددرصد آماده و مهیای آن ننمایند، امکان ندارد که بدان دست یابند، و هرگاه ما خود را برای تحقق و پذیرش آن آماده ساختیم، خداوند يك شبهه کار را تمام می‌کند و رحمت خود را شامل ما خواهد گردانید، و در غیر این صورت محال است، و به حسب روایات مستفیضه این جمعیت در جهان پیدا خواهند شد و سعادت دیدار محبوب را خواهند یافت و به مطلوب خواهند رسید. (صدوق، ۱۳۷۲: ج ۲، ۳۳)

بی تردید از مفهوم‌شناسی اصطلاحی انتظار سه پیام برداشت می‌شود: عدم رضایت از وضعیت موجود، امیدواری نسبت به آینده مطلوب و آمادگی و حرکت به سوی وضعیت مطلوب و رسیدن به جامعه ایده‌آل مهدوی است.

جلوه‌های مختلف انتظار

مقوله انتظار مقوله‌ای است کلی که از نظر مصداق دارای تنوعات و تقسیماتی است و از نظر جایگاه دارای مراتب و درجاتی می‌باشد. از آن جایی که مقولات کلی با رویکرد تشکیکی همیشه به صورت متفاوت بر مصداق‌شان حمل می‌شوند پس حمل انتظار نیز بر مصداقیش متفاوت بوده و این حمل یک بار با معیار تقدم و تأخر، و شدت و ضعف، نقص و کمال، و اولویت و غیر اولویت صورت می‌گیرد که در این صورت مصداق انتظار دارای مراتب و درجات می‌شوند. نظیر «انتظار روحی»، «انتظار قلبی»، «انتظار قولی» و «انتظار عملی» که انتظار روحی به معنای تحقق «اصل انتظار» و انتظار قلبی به معنای «ادراک انتظار» و انتظار قولی به معنای «اظهار انتظار» و انتظار عملی به معنای «اعمال انتظار» است. در این مورد در کتاب «مواضع امام خمینی» به قلم محمدرضا اکبری می‌خوانیم: انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام و یا هر فرج و پیروزی دیگر بر دو نوع قلبی و عملی است نوع اول همان حالتی است که قرار را از انسان گرفته و هر لحظه او را امیدوار و گوش به زنگ می‌کند اما نوع دوم انتظار، حرکت‌هایی است که برای رسیدن به منتظر انجام می‌گیرد (اکبری، ۱۳۷۸: ۲۴) یا در کتاب *لواء الانتصار* به اجرای محمدباقر فقیه ایمانی، مقوله انتظار ابتداء به دو قسم قلبی و بدنی تقسیم شده و باز در ادامه هر کدام به گونه‌های دیگری تقسیم شده‌اند (فقیه ایمانی، ۱۳۸۱: ۱۱) آری حقیقت انتظار با این تقسیمات در واقع از یک فرایند صعودی یعنی از انتظار روحی که بیانگر تحقق اصل انتظار است شروع شده و در یک فرایند طولی و سلسله‌مراتبی، به اوج انتظار که همان انتظار عملی است پیش رفته است. پس مراتب انتظار یعنی تحقق اصل انتظار، ادراک انتظار، اظهار انتظار

و اعمال انتظار، مراتب چهارگانه‌ای است که ذومراتب بودن انتظار را توجیه می‌نمایند. بار دیگر تفاوت‌های استعمال انتظار بر مصادیقش در قالب عام و خاص، مثبت و منفی، و فردی و اجتماعی نمایان می‌شود متنوع و انقسام‌پذیری انتظار را به منصفه ظهور می‌رساند. مثلاً انتظار عام و خاص^۱ هر دو از نظر مفهومی و مصداقی جزو مقوله کلی انتظار می‌باشند ولی مصداقیت انتظار خاص و رابطه آن به مقوله کلی انتظار از انتظار عام بیشتر و نزدیک‌تر است از این رو در روایات انتظار بیشترین بیانات و بیشترین هدف‌گذاری‌ها روی انتظار خاص صورت گرفته است. زیرا با تحقق ثمره انتظار خاص که همان رخداد ظهور و آمدن منجی و اجرای برنامه‌های او است، به‌طور قهری انتظار عام نیز در جامعه و در میان مردم به بار نشست و مردم از آن بهره‌مند می‌گردند. پس به‌طور کلی مقوله انتظار علاوه انقسام‌پذیری و متنوع بودن، دارای مراتب وجودی و درجات مقامی نیز است.

گستره انتظار از نظر اشتراک لفظی و معنوی

در بحث واژه‌شناسی انتظار دو مطلب باید خوب روشن شود مطلب اول بحث اشتراک لفظی یا معنوی بودن انتظار است و مطلب دوم بحث متواپی و یا مشکک بودن آن می‌باشد. بی‌تردید بیان مطلب اول مقدم بر بیان مطلب دوم است. یعنی قبل از آن‌که به متواپی و مشکک بودن انتظار بپردازیم لازم است ابتدا بحث مشترک بودن انتظار از نظر لفظی و معنوی را پیش بکشیم. زیرا متواپی و مشکک بودن یک واژه همیشه فرع بر اثبات اشتراک معنوی بودن آن می‌باشد. پس ابتدا به بحث اشتراک لفظی و معنوی بودن انتظار پرداخته و بعد از اثبات اشتراک معنوی بودن انتظار به بحث متواپی و مشکک بودن آن خواهیم پرداخت. اما در بیان اشتراک لفظی و معنوی گفته می‌شود؛ وقتی که لفظ مفرد دارای موضوع له متعدد باشد به دو حالت نمایان می‌شود؛ مشترک معنوی و مشترک لفظی (علامه طباطبائی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۲۰۲) زیرا اگر در کنار موضوع له متعدد، وضع لفظ نیز متعدد باشد، این قسم را مشترک لفظی می‌نامند و اگر در کنار موضوع له متعدد، وضع متعدد نباشد بلکه تنها با یک وضع آن هم در قالب عام همه مصادیق را پوشش دهد. (علامه حلی، ۱۴۱۲: ۲۰۲) در این صورت آن را مشترک معنوی می‌نامند. پس همیشه مشترک لفظی با تعدد معنا و تعدد اوضاع از

۱. انتظار عام، انتظاری است که متعلق آن عام و مطلق بوده و به معنای امید و امیدواری نسبت به هر نوع مشکل و معضلی؛ اعم از مادی و معنوی، دنیائی و آخرتی، فردی و اجتماعی و... است و انتظار خاص یا مقید؛ انتظاری است که تعلق و تقید به امر یا امور خاصی داشته و به‌طور نسبی گشایش و امید را در دایره خاص تری دنبال می‌نماید.

مشترک معنوی که دارای وحدت معنا و وحدت وضع است باز شناسی می‌شود. (التهانوی، ۱۹۹۶: ج ۱، ۲۰۳) به بیان دیگر؛ اگر قضایای چندی را که دارای موضوعات متعدد و محمول مشترکی هستند را در نظر بگیریم، در این صورت گاه هست که محمول مشترك ما فقط از جنبه لفظ در همه یکی است نه از جنبه معنی، مثل این که به شیر گاو می‌گوئیم «این شیر است» و به حیوان در جنگل می‌گوئیم «این شیر است» و به شیر سماور نیز اشاره می‌کنیم و می‌گوئیم «این شیر است». در این جا محمول در هر سه قضیه به حسب لفظ یکی است ولی به حسب معنا و مفهوم متعدد است که این نوع قضایا، مشترک لفظی نامیده می‌شوند. ولی گاه هست که محمول مشترك ما از جنبه معنا و مفهوم واحد است مثل آن که می‌گوئیم: «زید انسان است»، «عمر و انسان است»، «حسن انسان است». در این جا مفهوم و مقصود ما از لفظ «انسان» در همه این قضایا يك چیز است یعنی در هر سه «حمل» که محمول با لفظ «انسان» ادا شده يك صورت کلی ذهنی را بر موضوع منطبق ساخته ایم و يك معنا و مفهوم مشترکی را در هر سه مورد در نظر گرفته‌ایم که اینها را قضایای مشترک معنوی می‌نامند. (مطهری، بی تا: ج ۶، ۴۹۳)

از جمله مباحثی که باید در این نوشتار روشن شود بحث مفهوم شناسی انتظار از نظر اشتراک لفظی و معنوی است یعنی وقتی که واژه انتظار با رویکرد کلی بر مصادیقش حمل می‌شود چه حالتی از اشتراک پیدا می‌کند لفظی یا معنوی؟ مشترک لفظی بودن انتظار برآیدش اثبات گوناگونی و تغایر مفهومی و مصادقی انتظار است. تغایر مفهومی یعنی مصادیق انتظار هر کدام از نظر مفهوم با دیگری متفاوت می‌باشند یعنی انتظار عام غیر از انتظار خاص است و انتظار روحی غیر از انتظار قلبی است و انتظار قلبی غیر از انتظار قولی است و با وجود انتظار عملی هیچ کدام از مراتب پائین تر انتظار، انتظار به حساب نمی‌آیند. پس براساس نگرش تغایر مفهومی، هر کدام از مراتب انتظار دارای معنا و مفهوم مستقل و متمایز از دیگری می‌باشند. تغایر مصادقی یعنی مصادیق انتظار هر کدام با وضع استقلالی جعل شده و استعمال می‌شوند مثلاً وضع انتظار خاص غیر از وضع انتظار عام است و همچنین وضع انتظار روحی غیر از وضع انتظار عملی است. پس براساس نگرش تغایر مصادقی، مصادیق انتظار هر کدام با اوضاع مستقلاً جعل شده‌اند. اما اگر واژه انتظار با وصف اشتراک معنوی همخوان شده باشد پس برآیند آن وحدت مفهومی و وضعی خواهد بود که در این صورت واژه انتظار مفهوماً شامل همه مصادیق شده و این شمولیت با جعل یک وضع تحقق پیدا می‌کند به این معنا که واژه انتظار با رویکرد کلی وضع می‌شود و این کلیت شامل همه مصادیق انتظار در مراتب و درجات مختلف با تنوعات و تقسیمات گوناگون می‌شود.

در پاسخ به مطلب بالا گفته می‌شود وقتی که مصادیق انتظار را چه از نظر انواع (انتظار عام، انتظار خاص، انتظار مثبت، انتظار منفی، انتظار فردی، انتظار اجتماعی) و چه از نظر مراتب (انتظار روحی، انتظار قلبی، انتظار قولی، انتظار عملی) در نظر گرفته و رابطه آنها را با مقوله کلی انتظار مورد توجه قرار می‌دهیم، بالوجدان خواهیم دید که حمل انتظار بر تک تک آنها حمل به واقع و صادق است. یعنی از نظر مفهوم و استعمال چنان‌که انتظار مثبت را جزو مصادیق انتظار کلی می‌دانیم انتظار منفی نیز چنین خواهد بود و باز چنانچه انتظار عملی را جزو مصادیق انتظار دانسته و حمل مقوله کلی انتظار را بر آن درست می‌دانیم، انتظار قولی، انتظار قلبی، انتظار روحی و هم‌چنین انتظار عام و انتظار خاص را نیز جزو مصادیق انتظار دانسته و به عنوان افراد کلی، حمل مقوله کلی انتظار را بر آنها جایز می‌دانیم. پس در این جا مقوله کلی انتظار به عنوان کلی مشترک معنوی شناخته شده و براساس شاخصه‌های اشتراک معنوی که همانا وحدت مفهومی و یگانگی وضع است در مقوله انتظار جاری و ساری خواهد بود.

گستره انتظار از نظر همخوان و غیرهمخوان

بعد از آن‌که ثابت شد اشتراک در مقوله انتظار اشتراک معنوی است نوبت به طرح بحث همخوان (متواپی) و غیرهمخوان (مشکک) می‌رسد که آیا مقوله کلی انتظار از مقولات متواپی است یا مشکک و این‌که استعمال واژه انتظار بر مصادیقش چگونه است آیا این حمل، حمل متساوی است یا متفاوت، اگر متساوی باشد پس قانون تواپی در این جا جاری است و اگر متفاوت باشد پس قانون تشکیک جاری می‌شود. ابتدا باید گفت که در هر دو صورت چه انتظار را متواپی بدانیم و چه مشکک، حمل انتظار بر مصادیقش نظیر انتظار عام، خاص، روحی، قلبی، قولی و عملی، حمل صادق و درستی بوده و بی‌شک صاحبان آنها در زمره منتظران جای دارند. ولی تفاوت انتظار در متواپی و مشکک به خاطر درجه بندی و رتبه‌گذاری است که در مصادیق انتظار وجود دارد.

بی‌تردید براساس قانون متواپی، استعمال واژه انتظار در مصادیقش به صورت مساوی جاری شده و مقوله انتظار از نظر مفهوم و کاربری در همه آنها مساوی و یکسان می‌باشد. یعنی رتبه بندی در افراد مختلف انتظار، منتفی شده و دیگر انتظار عالی و دانی، شدید و ضعیف، متقدم و متأخر نداریم به بیان دیگر هم‌چنان‌که انتظار عملی، انتظار به حساب می‌آید با همان وزن انتظار روحی نیز انتظار است و هم‌چنین چنانچه انتظار خاص، انتظار مقبول به حساب

می‌آید با همان روال انتظار عام نیز انتظار مقبول می‌باشد بدون هیچ تفاوت و تمایزی. ولی براساس اجرای قانون تشکیک، رتبه‌بندی و درجه‌گذاری در مصادیق انتظار معنا و مفهوم پیدا می‌کند. زیرا قانون تشکیک حمل تشکیک‌پذیری انتظار را تجویز کرده و تفاوت استعمال انتظار بر مصادیقش را جایز می‌داند. از این رو گرچه همه افراد انتظار براساس قانون تشکیک، در زمره مفهوم انتظار جای می‌گیرند. ولی در رتبه‌بندی براساس معیار اولویت و عدم اولویت، و شدت و ضعف، و نقص و کمال، و تقدم و تأخر، مختلف شده و هر کدام به خاطر جایگاه و رتبه‌ای که دارند دارای نقش و کارکرد متفاوتی می‌باشند و براساس همین تفاوت است که ناگزیراً حمل نیز متفاوت می‌شود. بعد از بیان قانون تشکیک و توطی و نیز بعد از پیاده‌سازی آن دو در مقوله انتظار، حال این پرسش مطرح می‌شود که؛ مقوله انتظار با کدام قانون همخوانی دارد با قانون مشکک یا با قانون توطی؟ در پاسخ گفته می‌شود: وقتی که مقولات مختلف انتظار را مورد بررسی قرار می‌دهیم بالوجدان خواهیم دید که مصادیق انتظار دارای مراتب و درجاتی است برخی در مرتبه عالی قرار دارند و برخی در مرتبه دانی. و هیچ وقت نمی‌توانیم انتظار عملی که انتظار عالی است را با انتظار روحی که انتظار پائین است یکی دانسته و آنها را در کنار یکدیگر از نظر شأن و جایگاه قرار دهیم. زیرا اگر برای مقوله کلی انتظار حدی را در نظر بگیریم بی‌شک نزدیک‌ترین افراد به این حد، انتظار عملی می‌باشد زیرا انتظار عملی دارای شاخصه‌ای است که دیگر مصادیق انتظار از آن بی‌بهره هستند مثلاً؛ انتظار روحی، قلبی و قولی دارای شاخصه‌ای هستند که انتظار عملی همان شاخصه را دارد ولی انتظار عملی چیزی (اعمال انتظار) دارد که بقیه افراد انتظار آن را ندارند. در واقع همین شاخصه و امثال آن در مصادیق انتظار است که زمینه رتبه‌بندی و تشکیک‌پذیری انتظار را فراهم می‌نماید. زیرا همیشه در تمایزات تشکیکی، اختلاف به همان ماهیتی است که اشتراك هر دو را نیز تأمین می‌کند؛ به این صورت که برخی از افراد ماهیت از همان ماهیتی که حقیقت آنها را تشکیل می‌دهد سهم بیشتری داشته و در آن کامل هستند و برخی دیگر سهم کمتری داشته و در آن ناقص می‌باشند (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ج ۱، ۴۷۸) پس به خاطر وجود شاخصه‌های مستقلى که در مصادیق انتظار وجود دارد نظیر ادراک انتظار در انتظار قلبی، و اظهار انتظار در انتظار قولی، و اعمال انتظار در انتظار عملی، مصادیق انتظار از نظر رتبه و مقام، متفاوت شده و استعمال متفاوتی برای مقوله کلی انتظار رقم می‌خورد و این تفاوت استعمالی در واقع تداعی‌گر همخوان بودن انتظار با قانون تشکیک است.

انتظار و شروط تشکیک

در تحقق تشکیک، چهار امر شرط است: اول، وحدت حقیقی. دوم، کثرت حقیقی. سوم، سریان حقیقی آن وحدت در این کثرت و چهارم، بازگشت حقیقی این کثرت به آن وحدت. اگر از وحدت و کثرت به اتفاق و اختلاف تعبیر کنیم دو شرط اخیر تشکیک را به این صورت می‌توانیم بیان کنیم که در تشکیک، ما به الاتفاق به ما به الاختلاف و ما به الاختلاف به ما به الاتفاق بازگشت می‌نماید. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ج ۱، ۲۵۸) نظیر مراتب عدد که اشتراك آنها در عدد است و اختلاف آنها نیز در زیادت و نقصان عددی است و به امر زائد بر عدد نمی‌باشد. وقتی که شروط تشکیک را در مقوله انتظار پیاده‌سازی می‌کنیم می‌بینیم اولاً؛ همه مراتب انتظار در اصل انتظار وحدت نظر دارند یعنی همه آنها مفهوماً در دایره انتظار می‌گنجند. پس شرط اول تشکیک یعنی وحدت حقیقی در این جا وجود دارد. ثانیاً، چنان‌که در فراز قبلی گذشت در کنار وحدت ماهوی مصادیق انتظار، هر کدام دارای شاخصه و جایگاه خاصی هستند مثلاً یکی انتظار عام است و دیگر انتظار خاص و یکی انتظار روحی است و دیگری انتظار قلبی، و یکی انتظار قولی است و دیگری انتظار عملی که با این شاخصه‌ها و جایگاه خاص، شرط دوم تشکیک که همان کثرت حقیقی باشد تحقق پیدا می‌کند. ثالثاً؛ با مذاقه بیشتر خواهیم دید که در مصادیق انتظار همین انتظار است که وحدت آفرین بوده و باز همین انتظار است که اختلاف آفرین می‌باشد. مفهوم انتظار در همه مصادیق انتظار ساری و جاری بوده و اگر اختلافی است باز به خاطر نقص و کمالی است که به انتظار مربوط می‌شود یعنی برخی دارای انتظار ضعیف و برخی دارای انتظار شدید می‌باشند. پس در این جا انتظار هم نقش ما به الاختلاف و هم نقش ما به الاتفاق را بازی می‌کند و در نتیجه با این بیان وجود شرط سوم و چهارم تشکیک نیز در مقوله انتظار مسجل می‌گردد.

نتیجه‌گیری

در برابری بحث باید گفته شود که اولاً؛ مقوله انتظار از جمله مقولاتی است که دارای مصادیق گوناگونی می‌باشد، پس واژه انتظار واژه‌ای است کلی نه جزئی. ثانیاً؛ مصادیق انتظار اختلاف‌شان اختلاف ماهوی و مفهومی نیست. پس واژه انتظار نسبت به افرادش، مشترک معنوی است نه مشترک لفظی. ثالثاً؛ اختلاف مصادیق انتظار به خود انتظار، و اختلاف‌شان به نقصان خود انتظار، باز می‌گردد پس واژه انتظار شرایط تشکیک‌پذیری را دارد. رابعاً؛ مصادیق انتظار از نظر مفهوم انتظار دارای مراتب و درجاتی بوده و اختلاف‌شان و امتیازشان به جهت

همین مراتب و درجات است، پس واژه انتظار، کلی مشکک می باشد نه متواطی. خلاصه این که واژه انتظار واژه ای است کلی که با وصف اشتراک معنوی توجیه پذیر بوده و دارای افراد مختلفی نظیر انتظار عام، انتظار خاص، انتظار مثبت، انتظار منفی، انتظار فردی، انتظار اجتماعی، انتظار روحی، انتظار قلبی، انتظار قولی و انتظار عملی می باشد که با وجود این افراد، و اختلاف و اشتراکی که در میان آنها مطرح است تشکیک پذیر بودن مقوله انتظار را ثابت می کند. پس حمل واژه انتظار بر اساس قانون تشکیک، بر همه افراد خودش حمل درست و حقیقی بوده و همه آنها به نحوی جزو مصادیق آن به حساب می آیند گرچه هیچ وقت واژه انتظار منفی قابل مقایسه با انتظار مثبت نیست و هر کدام دارای کارکردهای جداگانه و مستقلی می باشند و نیز هیچ وقت انتظار عام با انتظار خاص از نظر گستره قابل تطبیق نمی باشند و هم چنین هیچ وقت انتظار کامل که همان انتظار عملی است با انتظار روحی (که مرتبه پایین انتظار است) برابر و یکسان نبوده و نخواهد بود. زیرا انتظار در مقام عمل در درجه عالی و انتظار در مقام روحی در درجه پائین قرار دارد در آخر نتیجه را با طرح این نظریه به پایان می رسانیم که اطلاق وصف «منتظر» بر همه افراد انتظار که به نحوی متصف به وصف انتظار هستند صادق و موجه می باشد یعنی چنانچه کسانی که متصف به وصف انتظار عملی باشند می توان آنها را «منتظران» خطاب کرد کسانی که به وصف انتظار روحی مزین هستند نیز می توان آنها را منتظر نامید. اما فاصله عددی میان آن دو، فاصله صد به یک است. یعنی کسانی که انتظارشان به منصفه عمل رسیده است پس انتظار کاملی داشته و در اوج و سقف انتظار به سر می برند و کسانی که تنها انتظار روحی دارند، پس انتظار ضعیف و ناقصی داشته و در پائین و کف انتظار قرار دارند. گرچه بر هر دو مقام، اطلاق وصف انتظار جایز و صادق می باشد اما بر اساس جایگاه و کارکرد آن دو فاصله قابل توجه ای میان آنها برقرار می باشد.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، اسلامیه، دوم.
۲. ابن سینا (۱۴۰۵ق)، *الشفاء، المنطق*، قم، چاپ افست.
۳. ابن منظور (۱۴۱۶ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی / مؤسسة التاریخ العربی.
۴. اصفهانی، راغب (۱۴۱۲ق)، *مفردات*، بیروت، دارالاسلامیه.
۵. اصفهانی، محمد حسین (۱۴۱۶ق)، *بحوث فی الاصول*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۶. بستانی، فؤاد افرام (بی تا)، *فرهنگ ابجدی*، قم، انتشارات اسلامی.

۷. تهانوی، محمدعلی (۱۹۹۶م)، *کشاف اصطلاحات الفنون والعلوم*، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ش)، *رحیق مختم*، تحقیق: حمید یارسانیا، قم، اسراء، سوم.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش)، *تسنیم*، تحقیق: حجت الاسلام احمد قدسی، قم، اسراء، پنجم.
۱۰. حسینی دشتی، سیدمصطفی (۱۳۷۹ش)، *معارف و معاریف*، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه، سوم.
۱۱. خواجه سبزواری (۱۴۱۶ق)، *شرح المنظومه*، تهران، چاپ حسن زاده آملی.
۱۲. خوئی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، *صراط النجاه*، تحقیق: میرزای تبریزی، قم، دارالصدیقه الشهیده.
۱۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۷ش)، *لغت نامه*، تهران، سیروس.
۱۴. شهروزی (۱۳۷۲ش)، *شرح حکمة اشراق*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۵. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۸۸ش)، *شرح بدایة الحکمه*، قم، مؤسسه بوستان کتاب، یازدهم.
۱۶. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرين*، تهران، انتشارات مرتضی.
۱۷. علامه حلی (۱۴۱۲ق)، *القواعد الجلیه فی شرح الرساله الشمسیه*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۸. مشکور، محمدجواد (۱۳۷۵ش)، *فرهنگ فرق اسلامی*، مشهد، آستان قدس رضوی، سوم.
۱۹. مصباح، محمدتقی (۱۳۷۲ش)، *آموزش فلسفه*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، پنجم.
۲۰. مطهری، مرتضی (بی تا)، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
۲۱. ملکی اصفهانی، مجتبی (۱۳۷۹ش)، *فرهنگ اصطلاحات اصول*، قم، عالمه.

